

درآمدی بر شناخت زنان ایران در عصر اشکانی

بهمن فیروزمندی^۱، مژگان خانمرادی^{۲*}

چکیده

این پژوهش به مطالعه نقش و جایگاه زن در دوره اشکانی می‌پردازد. منابع تاریخی بسیار گذرا به زنان این دوره پرداخته و اطلاعاتی سطحی و گاه بدور از واقعیت ارائه کرده‌اند. این منابع صرفاً چند تن از زنان درباری، محدودیت‌های اجتماعی زنان، برخی ازدواج‌های سیاسی، و موضوع ازدواج با محارم را بر ما هویدا ساخته‌اند. در این نوشتار، برای دستیابی به وضعیت زن در این دوره آثار مکشوفه از سراسر امپراتوری اشکانی اعم از قلمرو غربی (هترا، آشور، سلوکیه، نیپور، بابل، دورا اروپوس، پالمیر، و...)، قلمرو شرقی (کوه خواجه)، و مناطقی چون الیمایس و نواحی مرکزی ایران بررسی شد. در این دوره، برخلاف دوره هخامنشی، بیشتر به شمایل‌نگاری زن پرداخته شده؛ به گونه‌ای که نقش زن بر روی سکه، گچبری، نقاشی دیواری، نقش برجسته، و اشیا به تصویر درآمده یا شمایل زن در قالب مجسمه، پیکرک، و... ساخته شده است. مطالعه و بررسی آثار باستان‌شناختی یادشده نشان می‌دهد که زنان در دوره اشکانی در عرصه‌های مختلف مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و هنری حضور داشته‌اند.

کلیدواژگان

دوره اشکانی، زن، زنان درباری، شمایل‌نگاری، ملکه‌ها.

b.firoz@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

mkanmoradi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۲

مقدمه

امپراتوری هخامنشی با حمله اسکندر در سال ۳۳۳ ق.م از هم پاشید و اسکندر در سودای دستیابی بر ایرانی یونانیزه شده با استاتیرا، دختر داریوش سوم، و پریساتیس ازدواج کرد [۲۸، ص ۲۵] و دستور داد طی جشنی در شوش ده هزار تن از سرداران و سربازانش با دختران ایرانی پیمان زناشویی ببندند [۲۹، ص ۱۴۰]. به تعبیر اسکندر، ازدواج وی با شاهدخت‌ها باید در پیروی از زناشویی‌های سیاسی سنت دیرین شرق باستان، تأثیر مثبتی بر اهالی پارس داشته باشد و آن‌ها را به شاه جدید ملزم کند. ازدواج‌های جمعی مجدد و دل‌نگرانی اسکندر در خصوص کودکان برآمده از زناشویی‌های ایرانی-مقدونی فقط این هدف را دنبال می‌کرد که از سویی مقدونیان و پارسیان را به اهداف مشترکی موظف کند و از سوی دیگر قشر رهبری‌کننده‌ای از شاهدختان نژاده و هیتاروی‌ها به بار آورد [۲۸، ص ۲۵]. بنابراین، با ایجاد پیوندهای ازدواج میان دختران ایرانی و سربازان یونانی و همچنین با استقرار کلنی‌های یونانی‌نشین در ایران، فرهنگ و هنر یونانی نیز به ایران وارد شد.

اشکانیان یا پارتیان از قبیله پرنی منشعب از طوایف سکایی داهه در سال ۲۳۸ ق.م به سرکردگی ارشک نامی موفق به تشکیل حکومت در منطقه تحت نفوذ سلوکیان شدند. آنان بسیاری از آداب و رسوم عشیره‌ای خود را عملاً در طول حکومت خود به کار بستند. درواقع، امپراتوری اشکانی چندفرهنگی بود و میراث هخامنشیان و سلوکیان را با سنت فرهنگی ایرانیان ساکن استپ درآمیخته بود [۴، ص ۱۱۷]. روشن است که در چنین جامعه‌ای نگرش به زن دچار تحول شده و نحوه حضور وی در صحنه‌های مختلف متفاوت‌تر از دوران پیشین می‌شود. آثار تاریخی فراوانی از امپراتوری اشکانی در دست است که بیانگر این تفاوت و تغییر دیدگاه است. منابع تاریخی نیز ما را در شناخت بهتر وضعیت زنان در این دوره آگاه می‌کند. با آنکه اشکانیان قریب پانصد سال بر ایران حکم راندند، تاکنون پژوهشی جامع درباره زن اشکانی صورت نگرفته است، زیرا در تک‌نگاری‌های عمومی درباره تاریخ اشکانیان، مورخان معاصر چندان توجهی به این موضوع نداشته یا اصلاً به آن نپرداخته‌اند؛ به طوری که مورخانی چون ولسکی، شیپمان، گوتشمید، دوبواز، و ورستاندیک نیز از کنار نقش و جایگاه زن در دوره اشکانی به‌سادگی گذشته‌اند و فقط هنگامی از زن اشکانی سخنی به میان آمده که در طی یک جریان سیاسی به ازدواج شاهی ایرانی یا انیرانی درآمده باشد. در این میان، بیشترین مطالب به موزا^۱، همسر فرهاد چهارم، اختصاص دارد. جدیدترین مقالات ارائه شده درباره این زن در سال ۲۰۰۴ توسط بیگ وود [۳۱] و در سال ۲۰۰۸ توسط اِما استروگنل^۲ [۳۹] نگاشته شد. کامل‌ترین پژوهش صورت گرفته درباره زن اشکانی توسط ماریا بروسیوس در قالب مقاله‌ای در دایرةالمعارف ایرانیکا

1. Musa
2. Strugnell

به چاپ رسیده که ضمن پرداختن به زن در پیش از اسلام، جایگاه زن در دوره اشکانی را بررسی کرده است. این مقاله نیز بسیار کلی است و به همه جوانب نپرداخته است [۳۳]. به علاوه بیگ وود نیز براساس کتیبه‌های بابلی که از عراق کشف شده به معرفی برخی از ملکه‌های دوره اشکانی اقدام کرده که اثری درخور توجه است [۳۲]. دیمز در پژوهشی که درباره شمایل‌نگاری از پیش از تاریخ تا دوره ساسانی است، آثاری محدود را که نقش زن بر روی آن‌ها اجرا شده معرفی کرده است [۱۲]. از آنجا که تاکنون پژوهشی در این خصوص صورت نگرفته، در این نوشتار برآنیم تا با مدد از اطلاعات موجود به این موضوع بپردازیم.

منابع موجود درباره زن در دوره اشکانی

منابع موجود درخصوص زن اشکانی را می‌توان به منابع تاریخی و باستان‌شناسی تقسیم کرد. دسته اول شامل منابع کلاسیک یونانی و رومی است که توسط مورخان هم‌عصر اشکانیان نگاشته شده است. البته مطالب ارائه‌شده از سوی ایشان درباره زنان این دوره و فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، و هنری آنان بسیار ناچیز است. بخش عمده‌ای از این مطالب سطحی و دارای انگیزه‌های سیاسی و درواقع نشئت‌گرفته از روابط خصمانه دیرپای مابین دول یونان و ایران بوده است. تفاوت‌های فرهنگی میان یونانیان و ایرانیان نیز باعث شد تا دیدگاه‌های درستی از سوی نویسندگان یونانی و بعدها نویسندگان رومی ارائه نشود. نمونه برجسته این قضاوت‌ها موضوع ازدواج با محارم است که تاکنون بحث و جدل‌های زیادی را در پی داشته است. قدیمی‌ترین منبع در این خصوص مربوط به سوتیو (۲۰۰ تا ۱۵۰ ق.م) است. پس از وی، کاتولوس (۸۴ تا ۵۴ ق.م)، استرابو (۶۳ ق.م تا ۱۹ م)، فیلن اسکندرانی (۲۰ ق.م تا ۴۰ م)، کنتوس کوریتوس رفوس (حدود ۷۰ م)، سکستوس ایمپریکوس (سده دوم میلادی)، بطلمیوس (۱۰۰ تا ۱۷۸ م) و مینوسیوس فلیکس (حدود ۱۲۰ م) نیز از ازدواج با محارم و رابطه جنسی مردان با دختر، خواهر، و مادر در این عصر داد سخن داده‌اند [۱۹، ص ۱۱-۱۲]. بحث در این خصوص به نگارش مقالات مجزایی نیاز دارد، اما به استناد مدارک معتبر در این دوره چند مورد ازدواج با محارم صرفاً در دربار صورت گرفته است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

در منابع یونانی مطالب مرتبط با زنان به صورت جسته و گریخته و در لابه‌لای حوادث سیاسی این عصر ارائه شده که به ازدواج‌های سیاسی، نحوه حضور زن در اجتماع و برخی از زنان دربار شاهی اشارات کلی داشته‌اند. این مطالب از سوی مورخانی چون ژوستین، ایزیدور خاراکسی، هوراس، پوروپرتیوس، استرابو، ژوزفوس فلاویوس (۳۸/۳۷ تا ۱۰۰ م)، پلوتارک (۴۵ تا ۱۲۰ م)، کاسیوس دیو (۱۵۵ تا ۲۳۵ م) و پومپیوس تروگوس (معاصر فرهاد چهارم) ارائه شده است.

دسته دوم از منابع آثاری است که در قالب نقش برجسته، چرم‌نوشته‌ها، الواح، سکه، گچبری، پیکرک، کتیبه، مجسمه، نقاشی دیواری، و اشیا ایجاد شده‌اند. با کشف الواح میخی بابلی و چرم‌نوشته‌های اورامان باب تازه‌ای در خصوص زنان اشکانی گشوده شد؛ به‌طوری‌که چهارده تن از زنان درباری از روی این منابع معرفی شدند [۳۲] تنوع داده‌ها، فراوانی، و گستره جغرافیایی کشف این آثار در مقایسه با دوره هخامنشی تأمل‌برانگیز است. گرچه الواح باروی تخت‌جمشید اطلاعات ارزشمندی درباره زنان هخامنشی به دست داده است، کشف آثار تاریخی فراوان با نقش زن در دوره اشکانی با دوره هخامنشی قابل قیاس نیست.

زن در دوره اشکانی

متأسفانه منبعی به زبان پهلوی اشکانی در دست نیست تا از ورای آن به جایگاه حقوقی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی زنان در دوره اشکانی دست یابیم. تنها منبع موجود داستان ویس و رامین است که خاستگاهی پارسی دارد [۴، ص ۱۴۵]. گفتیم که منابع یونانی و رومی عموماً با نگاهی مغرضانه به این موضوع نگریده‌اند. وجود تعداد درخور توجهی آثار تاریخی می‌تواند در کنار منابع تاریخی تصویر روشن‌تری از این موضوع را آشکار کند. این آثار همچنان می‌توانند برخی دیدگاه‌های نادرست یونانیان و رومیان را اصلاح کنند و در مواردی بر ادعاهای آنان خط بطلان بکشند. در ادامه، به حضور زن اشکانی در عرصه‌های مختلف خواهیم پرداخت.

زن و سیاست

براساس منابع تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی تصویر نسبتاً روشن‌تری از زنان درباری نسبت به طبقه عامه از این دوره قابل ترسیم است. در این دوره، رد پای زنان دربار را در امور سیاسی می‌توان دید. البته این حضور در برهه‌های مختلف به یک سبک و سیاق نیست. زنان سلطنتی اشکانی نسبتاً ناشناخته‌اند و در منابع مکتوب رومی و یونانی نسبت به زنان سلوکی و هخامنشی بسیار اندک به آن‌ها اشاره شده است [۳۲، ص ۲۳۵]. آن‌ها معمولاً وسیله‌ای جهت ایجاد یا تحکیم روابط مابین دولت‌ها بوده‌اند که این امر، به‌ویژه در مورد اشکانیان و ارمنستان، صادق است، زیرا ارمنستان همیشه مایه اختلاف بین دول اشکانی و روم بود [۳۰، ص ۵۰]. ازدواج دختر فرهاد سوم با تیگران، پسر پادشاه ارمنستان [۲۰، ص ۳۴]، دختر فرهاد چهارم با شاه ارمنستان و پاکور، پسر ارد دوم، با خواهر پادشاه ارمنستان از این دست است [۲۷، ص ۱۵۰]. مهرداد دوم با ازدواج با اریازته اوتومه، دختر تیگران، نفوذ خود را در بخش غربی امپراتوری‌اش استوار کرد [۴، ص ۱۲۹]. نام این زن در سطور ۲ تا ۵ چرم‌نوشته شماره ۱ اورامان (سال ۸۸ ق.م) با نام دو تن دیگر از زنان مهرداد ذکر شده است [۳۲، ص ۲۴۴]. این نوع ازدواج‌ها در مشرق‌زمین بسیار

رایج بوده [۲۳، ص ۲۸] و اشکانیان نیز این سنت را پاس داشته‌اند. براساس منابع تاریخی، ازدواج‌هایی میان خاندان شاهی با سلوکیان صورت گرفته است؛ مثلاً مهرداد اول پس از دستگیری کردن دمتریوس دوم، دخترش رودگونه را به همسری وی درآورد [۲۰، ص ۳۴] فرهاد دوم پس از شکست آنتیوخوس هفتم، برادر زاده او را به ازدواج خود درآورد. [۲۲، ص ۲۶]. به‌علاوه زن اردوان سوم نیز یونانی بود [۹، ص ۱۵۳]. بنابراین، چه زنان خاندان شاهی که به ازدواج دولتمردان ارمنی یا سلوکی درمی‌آمدند و چه زنان سلوکی، یونانی، و ارمنی که به حرم شاهان اشکانی راه می‌یافتند وسیله‌ای سیاسی در جهت تأمین منافع شاهان اشکانی بودند.

زنان خاندان شاهی گاه چنان در عرصه سیاسی قدرت می‌گرفتند که بر تخت پادشاهی تکیه زده‌اند. از میان زنانی که با تدبیرشان در اداره امور ایران‌شهر و جلوگیری از درگیری‌های معمول درباری توانسته‌اند یک‌پارچگی ایران را هرچند برای روزگاری کوتاه حفظ کنند، می‌توان به مادر فرهاد دوم اشاره کرد که تا رسیدن پسرش به سن قانونی برای سلطنت، عهده‌دار مقام نیابت او بوده است. براساس منابع موجود، در سال ۱۳۷ ق.م، مهرداد اول درگذشت و چون پسرش فرهاد دوم بسیار کوچک بود، مادرش راینو یا رینو چند ماهی نقش نایب‌السلطنه را ایفا کرد. [۱۰، ص ۱۵۲]. ظاهراً نایب‌السلطنه بودن یک زن در ایران باستان، که همه از سپردن قدرت سیاسی به زنان نفرت داشتند، چندان رایج نبود، زیرا مردان زنان را برای عهده‌دار شدن قدرت سیاسی ضعیف می‌دانستند. در آن دوره، قدرت سیاسی مستلزم قدرت و توانایی نظامی بود و زنان به‌ندرت از این قدرت برخوردار بودند. ولی او به‌طور کامل در چارچوب تمدن استپ‌ها گام برمی‌داشت، زیرا در سنت‌های استپ‌نشینان، یک خاتون یا همسر رسمی خان از احترام و اقتدار قابل قبولی برخوردار بود. رینو در این مدت به‌خوبی از پس اداره امور و مسائل کشورداری برآمد و مانع بروز شورش و جنگ‌های داخلی شد. در غیر این صورت، حتماً پیامدها و نتایج بی‌کفایتی وی از سوی مورخان یونانی و رومی، که همواره به دنبال نقطه‌ضعف از اشکانیان بودند، منعکس می‌شد. در الواح نگاشته‌شده به خط میخی بابلی مکشوفه از بابل نام وی چنین آمده است: «اگوست ۱۳۲ ارشک و مادرش رینو. شاهان». در اسناد بابلی، نام هیچ‌یک از شاهان اشکانی نیامده و از آنان صرفاً با لقب ارشک یاد شده است. بنابراین، تعلق این سند به فرهاد دوم از مدت زمان حکومت وی (۱۲۹ تا ۱۳۷ ق.م) معلوم می‌شود. همان‌طور که مشخص است، وی در سال ۱۳۲ ق.م حکومت می‌کرده و رینو نیز از طریق متون تاریخی برای ما شناخته‌شده است. در انتهای جمله کلمه شاهان آمده است که نکته‌ای مبهم است. آیا شاه و ملکه باهم جمع بسته شده و به صورت شاهان درآمدی است، یا خیر؟ به دلیل فقدان مدارک نمی‌توان به این سؤال پاسخی درست داد. باید یادآور شد که در این کتیبه از رینو با لقب آماشو^۱، یعنی مادر شاه، یاد شده است. نام وی در متون حقوقی مکشوفه از اوروک نیز آمده است. اما به دلیل اینکه تاریخ

اشکانی کتیبه مذکور از بین رفته و تاریخ سلوکی آن نیز ناقص است، برای تاریخگذاری هنوز اجماع نظری وجود ندارد. به طوری که، ماینز سال ۱۳۶ ق.م و اولسنر^۱ اگوست ۱۳۲ ق.م را پیشنهاد می کنند [۳۲، ص ۲۳۸].

بعد از رینو، موزا تنها زنی است که بر اریکه قدرت تکیه زد. اهمیت حضور وی در دربار اشکانی به حدی است که بیشترین حجم منابع یونانی و رومیان درباره زنان اشکانی را به خود اختصاص داده است. بهترین منبع مربوط به ژوزفوس فلاویوس است [۴۰، ص ۲۷۶]. براساس این منابع، اوگوستوس امپراتور روم در حدود سال ۲۰ ق.م برای استحکام روابط خود با فرهاد چهارم هدایای بسیاری از جمله کنیزی زیباروی به نام موزا به دربار وی گسیل داشت. وی چنان دل از پادشاه سالخورده اشکانی ربود که شاه او را پس از به دنیا آوردن پسری به نام فرهادک به مقام شهبانوی ایران ارتقا بخشید [۹، ص ۱۲۰]. موزا در سال ۱۰ ق.م، فرهاد چهارم را وادار کرد تا چهار پسر بالغش را به عنوان گروگان به روم بفرستد [۲۲، ص ۴۲]. هدف وی آن بود تا رقبای ولیعهدی پسرش را از ایران دور کند. بالاخره فرهادک به جانشینی انتخاب شد. نفوذ موزا چنان بود که وی را در استرداد پرچمها و اسیران رومی دخیل می دانند [۱۰، ص ۲۸۲]. امری که برای رومیان پیروزی بزرگی بود.

موزا در سال ۲ ق.م فرهاد چهارم را به زهر مسموم [۹، ص ۱۲۵] و چهار سال بعد با پسرش، که اینک به فرهاد پنجم معروف شده بود، ازدواج کرد [۳۰، ص ۵۴]. به مناسبت این ازدواج سکه هایی با تصویر موزا و فرهاد پنجم ضرب شد و این برای اولین بار است که در تاریخ ایران باستان نقش ملکه بر روی سکه ضرب می شود (تصویر ۱).



تصویر ۱. سکه موزا و فرهاد [۴۲]

1. Oelsner

نوشته پشت سکه‌ها موزا را چنین معرفی کرده است: «سکه ایزدبانو اورانیاموزا، ملکه» [۱۸، ص ۳۹۵]. بر روی این سکه‌ها لقب شهبانوی بانوان نیز دیده می‌شود [۲، ص ۱۰۸]. بر پشت چهاردرهمی‌ها فرشته‌ای (نیکه) حلقه شهریاری را به سوی تاج ملکه موزا می‌برد. بنابراین، می‌توان چنین استنتاج کرد که موزا از چنان موقعیتی برخوردار است که هم لقب ایزدبانو را دریافت کرده و هم نیکه حلقه شهریاری را، که قبلاً فقط مختص شاه شاهان بوده، به وی تفویض داشته و در واقع در امر سلطنت با فرهاد پنجم شریک است. علاوه بر سکه‌های موجود، در شوش سردیسی مرمرین (تصویر ۲) به دست آمده که کالج [۳۴]، کومونت [۳۵]، گیرشمن [۲۴، ص ۹۶] و کاوامی [۳۶] آن را به موزا منتسب کرده‌اند.



تصویر ۲. مجسمه مرمرین موزا [۲۴، ۹۶]

هرچند از وضع زنان در ایالات مختلف مدرک زیادی در دست نیست، به استناد منابع سکه‌شناسی و نقش برجسته‌ای از ایذه ظاهراً برخی زنان الیمایی در دربار نفوذ زیادی داشتند. از آن جمله می‌توان به ملکه آنزازه یا آنزاز اشاره کرد. وی همسر کمنسکیر دوم است که تصویرش به همراه شاه الیمایی روی سکه (سال ۸۱/۸۲ یا ۷۸/۷۹ ق.م) ضرب شده است (تصویر ۳) [۷، ص ۶۰۴]. ملکه آنزازه مجدداً به همراه همسرش در سنگ‌نگاره تنگ زیر یا ایذه دیده می‌شود. او به واسطه کتیبه‌ای که در نقش برجسته حجاری شده قابل شناسایی است [۵]. همچنین، در پشت سکه آرد پنجم (۱۴۰-۱۵۰ م)، آرد ششم (۱۵۰-۱۵۵ م)، و آرد هفتم (۱۵۵-۱۶۰ م) از دیگر شاهان الیمایی نقش زن وجود دارد [۸، ص ۱۲۲-۱۲۷]. البته روی سکه‌ها فقط نام شاهان آمده و نام ملکه‌ها ذکر نشده است.



تصویر ۳. سکه ملکه آنزازه و کمسکیردوم [۴۲]

سنت ازدواج در بین شاهان اشکانی ابتدا به صورت تک‌همسری بوده، زیرا آنان در ابتدا زندگی صحراگردی داشته و پس از به قدرت رسیدن یکجانشین شدند و از رسوم پیشین فاصله گرفتند. پیوند تنگاتنگ این پادشاهی با سنن شرقی سبب رواج و گسترش چندزنی شد که پیش‌تر در خاندان هخامنشی میان خاندان سلطنتی و نجبا متداول بود [۲۷، ص ۹۱]. هرودیان اعتقاد دارد که شاهان اشکانی چندین همسر برمی‌گزیدند، اما به نظر می‌رسد پسری که مادرش از تبار خاندان اشکانی بود برای جانشینی بر دیگران ارجحیت داشته و این دلیلی است بر ازدواج‌های درون‌خاندانی [۴]. سنت چندهمسری براساس مدارک باستان‌شناختی همچون اسناد بابلی و چرم‌نوشته‌های اورامان نیز تأیید شده است. در سطور یک تا شش چرم‌نوشته شماره ۱ اورامان نام زنان مهرداد دوم به نام‌های سیاکه، آزانه، و اریازاته اوتومه ذکر شده است. همچنین، در سطور یک تا سه چرم‌نوشته شماره ۲ اورامان مربوط به سال ۲۹۱ سلوکی (۲۲۱ م) نام آلییره، کلئوپاترا، باسیرتا، و بیستیاناپس آمده است. این سند با تطابق تاریخ مندرج در آن مربوط به دوره فرهاد چهارم است [۳۱، ص ۲۴۴]. به‌علاوه شاهان زنانی موقت بسیاری داشتند [۳، ص ۲۱۹]. اهمیتی که اشکانیان برای حرم خود قائل بودند نه از شیوه رفتار خاص شرقی سرچشمه می‌گرفت و نه از فساد دستگاه درباری و شاهی؛ بلکه ضرورتی سیاسی بوده است، زیرا هر بانویی در حرم یا شاهزاده‌ای بود یا دختر یکی از امیران فرودست یا از اشراف یا دست‌کم هدیه یکی از پادشاهان. بدین‌گونه هریک از بانوان حرم نماینده یک پیوند سلطنتی یا همبستگی دوستانه به شمار می‌رفت و مجموعه‌ای از پیوندهای سیاسی قدرت‌های داخلی و خارجی با دربار را تشکیل می‌دادند [۲۲، ص ۵۴].

زن و مذهب

تقدس و احترام به الهه‌های حاصلخیزی که در دوران قبل، به‌ویژه دوره ایلامی، در پیکره زنان عریان و ملبس تجلی یافته بود، در این دوره به شکل الهه‌های مختلف، که نقش اسطوره‌ای

یافته بودند، به شکل پیکره‌های ملبس تحت تأثیر فرهنگ یونان و سردیس‌هایی با سربندهای یونانی یا به شکل پیکره‌های عریان ظهور یافتند. در واقع، پیکره‌هایی که یادآور نقش ایشتر ایزدبانوی بابلی و آشور بودند، این باره با نام آفرودیت یونانی ظاهر شدند [۲۵، ص ۳۴] در نسا آفرودیت، آتنا (تصویر ۴)، موزها و دیگر الهه‌های یونانی در قالب مجسمه یا روی عاج‌های مکشوفه به تصویر درآمده‌اند [۱۱]. همچنین، پیکره‌های استخوانی فراوانی به‌دست آمده (تصویر ۹) که آن‌ها را رب‌النوع‌های عریان می‌نامند [۶، ص ۲۷]. تأکید بر عناصر جنسیت و زاینده‌بودن از دلایل مقدس شمردن آن‌هاست. این پیکرک‌ها به دو سبک استلیزه و مسبک ساخته شده‌اند و آن‌ها را از گورهای پارتی شوش، اوروک، سلوکیه یافته‌اند [۷، ص ۶۰۲].



تصویر ۴. مجسمه آتنا از نسا [۲۴]

از جمله آثار دیگر این دوره پیکرک‌های زنان لمبیده از جنس گل و مرمر هستند که آن‌ها را نیز به الهه‌های شرقی مربوط دانسته‌اند؛ به‌خصوص هنگامی که آن‌ها برهنه یا نیمه‌برهنه‌اند. برخی این‌ها را نشان‌دهنده الهه آناهیتا می‌دانند [۱۷، ص ۸۵] و عده‌ای عقیده دارند که این‌ها نمایش ذهن خدایان‌اند. چنین نمونه‌های از مدل‌های یونانی الهام گرفته و در میان پیکره‌های قدیم بین‌النهرین ناشناخته‌اند. بعضی از آن‌ها از نمونه‌های اصلی یونان تقلید شده‌اند و برخی نیز لباس و پوشش سر شرقی دارند. بیشتر مواقع آن‌ها روی پهلوی خود تکیه داده‌اند. گاهی آن‌ها اهمیت تدفینی دارند؛ به دلیل آنکه بسیاری از این پیکرک‌ها به همراه مرده دفن شده و از داخل قبور یافت شده‌اند. در سلوکیه، پیکرک‌ها را به‌منزله هدیه به معبد می‌آوردند یا از آن‌ها در داخل خشت‌ها استفاده کرده‌اند [۱۴]. از این دوره مجسمه‌ها و پیکرک‌های زیادی به‌دست آمده که منتسب به الهه‌ها هستند.

بررسی مدارک و اسناد مکشوفه از دوره اشکانی نشان‌دهنده حضور زنان در مراسم مذهبی است. برای مثال، در نقش برجسته‌ای که از حیاط معبد بعل در پالمیر سوریه (قرن اول م) به‌دست آمده است، دو زن و یک مرد نیایشگر به صورت نیمرخ در کنار کاهنی ایستاده‌اند که در حال ریختن بخور در بخوردان است [۲۲، ص ۱۳۴]. بر روی پلاک سفالی مکشوفه از شوش، زنی

در حال انجام دادن امور مذهبی دیده می‌شود. وی در کنار یک عودسوز ایستاده، موهای کوتاه و صافی دارد و پوشش شنل‌مانندی بر تن دارد که قسمتی از دست چپ و پای راست وی را دربر گرفته‌اند. او با دست چپ شنل را در بالای پای چپ نگه داشته و دست راست را به طرف عودسوز دراز کرده است [۱۶۸، ص ۴۱]. مشابه این صحنه در نقاشی دیواری دورا اروپوس [۲۲، ص ۵۶] و روی یک کوزه سفالی مکشوفه از آشور [۲۲، ص ۹۲] نیز دیده می‌شود. نکته جالب درباره این پلاک آن است که در سایر آثار مراسم توسط یک کاهن مرد صورت می‌گرفت و زنان صرفاً به‌عنوان عبادت‌کننده در مراسم شرکت داشتند. حال آنکه در این اثر زن خود به‌تنهایی مراسم را انجام می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد که در این دوره زنان کاهنه نیز می‌توانستند انجام‌دادن مراسم مذهبی را عهده‌دار شوند.

در هترا، زنان نیز در معابد کمر به خدمت خدایان و الهه‌ها می‌بستند. برای مثال، دسته‌ای از دختران در خدمت الهه لات بودند. از جمله مدارک باستان‌شناختی در این خصوص مجسمه زن کاهنه مرتبو را می‌توان نام برد. علاوه بر وی، می‌توان به دخترش سمی و مجسمه قیمی دختر عبدسمیا، خواننده و نوازنده معبد، اشاره کرد. از معابد این شهر مجسمه‌های زیادی از زنان به‌دست آمده است که آنان را با زینت و زیورهای فراوان و لباس‌های مجلل و اغلب به حالت ایستاده نشان داده‌اند. آن‌ها یک دست خود را به حالت احترام به خدا یا الهه صاحب معبد بلند کرده‌اند. اهمیت زنان راهبه در این شهر به حدی بود که معبد پنجم مختص الهه لات مخصوص زنان راهبه حضری بود [۱۷، ص ۸۰]. در نقاشی‌های دورا اروپوس نیز، شاهد اجرای مراسم مذهبی توسط خانواده کونون هستیم (تصویر ۵).



تصویر ۵. شرکت زنان خانواده کونون در مراسم مذهبی [۲۴]

در این صحنه، یک زن دست راست خویش را به حالت احترام بالا برده است. بر روی یک کوزه سفالی که از آشور کشف شده (تصویر ۶) و مربوط به اوایل قرن سوم میلادی است یک مراسم مذهبی در حال برگزاری است (تصویر ۱). در این مراسم، که با حضور پادشاه برگزار

می‌شود، دو کاهن در دو طرف خانواده شاهی در حال ریختن مواد در داخل بخوردان‌اند. شاه بر روی تختی مزین نشسته و در سمت راست وی یک کودک و ملکه قرار دارند.



تصویر ۶. زنان اشراف پالمیری [ص ۳۷، ۱۶۴]

براساس مدارک ارائه‌شده زنان نه تنها حق شرکت در مراسم مذهبی را داشتند بلکه به‌عنوان کاهنه در معابد خدمت می‌کردند و مراسم مذهبی را نیز به‌جا می‌آوردند. این برخلاف اظهارات پومپوس تروگوس مبنی بر عدم حضور زنان در اجتماع [ص ۱، ۲۰۰] است، زیرا در آثار ارائه‌شده زنان به‌تنهایی یا همراه مردان به انجام‌دادن مراسم مذهبی می‌پردازند و این موضوع در قلمرو اشکانیان اعم از شوش، پالمیر، آشور، هترا، و دورا اروپوس مشاهده می‌شود. بر بخش فوقانی ریتون‌های نسا مراسم مذهبی از دیونیزوس و دوازده الهه المپ [ص ۲۸، ۱۶۲] به تصویر درآمده که زنان در این مراسم حضور دارند. غیر از اینکه زنان در این صحنه‌ها به صورت الهه‌های یونانی نمود دارند، فعالیت‌هایی دال بر داستان‌های دیونیزوسی را نشان می‌دهند یا حتی به صورت ماسک و در یک ردیف افقی با مردان به نمایش درآمده‌اند [۱۱].

زن و هنر

براساس مدارک مکشوفه زنان اشکانی در زمینه موسیقی فعالیت داشتند، زیرا در هترا مجسمه‌ای از بانو قیمی وجود دارد که دف در دست به‌عنوان خواننده و نوازنده در معبد خدمت می‌کند. در سلوکیه، زنان به آلات موسیقی آشنایی داشتند و نتایج آمارگیری در مورد پیکرک زنان و مردان موسیقیدان این محوطه نشان می‌دهد که ۶۲ پیکرک متعلق به زنان و ۵۲ پیکرک مربوط به مردان است. [۴۱] از اوروک نیز پیکرک سفالی زنی چنگ‌نواز، یک پلاک سفالی با نقش دو زن فلوت‌زن، و یک طَبال به‌دست آمده است. از شوش پیکرک یک زن چنگ‌نواز و پلاکی سفالی با نقش یک زن تارزن و یک زن فلوت‌زن را کشف کرده‌اند [۱۵]. در شرق امپراتوری اشکانی و در پرستشگاه بودایی ایرتام، نقش برجسته زنی رامشگر در حال نواختن

چنگ دیده می‌شود [ص ۱۳، ۱۲۴-۱۲۵]. همچنین، در اولبیا، در جنوب روسیه، بر روی صفحه‌های استخوانی مجالس جشن و مهمانی همراه با موسیقی و رقص و بندبازی دیده می‌شود که زنی برهنه در حال رقص است [ص ۲۴، ۲۶۸]. با توجه به آنچه گفته شد، زنان به آلات موسیقی اعم از چنگ، تنبور، فلوت، طبل، شیپور، تار، قاشقک، دف، و عود آشنایی داشتند و حتی در مراسم مذهبی نیز حضور می‌یافتند و به اجرای برنامه می‌پرداختند. آنان حتی در مقام خواننده و رقص نیز ظاهر شده‌اند.



تصویر ۷. نقش شاه و شاهبانو در نقاشی‌های کوه خواجه [ص ۲۴، ۴۲]



تصویر ۸. مجسمه زن از هترا [۱۷]

زن و اقتصاد

متأسفانه به دلیل قلت منابع نمی‌توان میزان فعالیت اقتصادی زنان را بررسی کرد. از آنجا که در دوران پیشین (هخامنشی و سلوکی) زنان زمین و دارایی‌هایی داشتند، شاید بتوان چنین فرض کرد که زنان اشکانی نیز دارای زمین، تولیدات، و دارایی‌هایی بودند [۲۴]. در اسناد اقتصادی نسا فقط نام یک زن به نام بانوپاش^۱ آمده است [۱۱، ص ۱۳۵]. موقعیت اجتماعی و اقتصادی وی در این سند نامشخص است، ولی با توجه به وجود پسوند بانو می‌توان نتیجه گرفت که وی از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار است.



تصویر ۹. پیکرک استخوانی از شوش [۱۶، ص ۱۲۱]



تصویر ۱۰. زن چنگ‌نواز از شوش [۲۵، ص ۶۶]

نتیجه گیری

دوره اشکانی نه تنها یکی از دوران طولانی تاریخی ایران، بلکه یکی از مقاطع مهم این مرز و بوم است. در هیچ دوره‌ای چنین التقاط فرهنگ، عقاید، و سنن رایج نبوده، زیرا به موازات سنن نو و کهن ایرانی دیگر اشکال فرهنگی دیگر نیز در دوره حکومت ایشان به حیات خویش ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی، کاملاً مشخص است که وضعیت زنان نسبت به دوران پیشین دچار تحول شده است. بررسی فرهنگ خود حاکمان، که اصالتاً از چادرنشینان بیابانگرد آسیای مرکزی بودند، نشان می‌دهد که بعضی از این آداب و رسوم آنان در مورد زنان، البته زنان طبقه بالای جامعه، همچون تعدد زوجات، مستوربودن زنان، داشتن زنان عقدی و غیرعقدی، و... صدق می‌کند. هرچند از دوره اشکانی منبعی به زبان پهلوی اشکانی برجای نمانده تا ما را با زنان درباری و غیردرباری اشکانی، رتبه‌های اجتماعی آن‌ها، میزان حضور ایشان در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و... آشنا کند، می‌توان با استفاده از منابع تاریخی یونانی و رومی و داده‌های باستان‌شناختی بخش‌هایی از مسائل اشاره‌شده را روشن کرد. برخلاف منابع تاریخی یونانی و رومی که بعضاً سطحی و غرض‌آلودند، زنان در دوره اشکانی حق حضور در اجتماع را داشته‌اند؛ به طوری که حتی شاهان اهل حرم را با خود به جنگ می‌بردند. داده‌های تاریخی بر اهمیت سیاسی زنان در این دوره و قدرت یافتن برخی از آنان همانند رینو، آنزاز، و موزا صحه می‌گذارد؛ تا جایی که ایشان به مقام نایب‌السلطنه و شریک در امر حکومت هم می‌رسد، که سکه‌های ضرب‌شده در کنار منابع تاریخی دلیلی بر این ادعایند. اسناد و آثار موجود همچون چرم‌نوشته‌های اورامان و الواح بابلی نیز نشان از آن دارند که زنان دربار از جایگاه والایی برخوردار بوده‌اند و افراد جامعه بر اهمیت و جایگاه آنان واقف بوده‌اند که در اسناد نجومی، حقوقی، و مالی از ایشان و القابشان در کنار نام شاهان این عصر یاد شده است. همچنین، زنان درباری در این دوره به عنوان وسیله‌ای در جهت اتحادها و پیمان‌های سیاسی ایفای نقش می‌کردند. نفوذ فرهنگ یونانی باعث می‌شود تا در هنرهای تجسمی شاهد افزایش چشمگیر آثار هنری با موضوع زنان و از آن جمله زنان برهنه و نیمه‌عریان باشیم. متأسفانه میزان آگاهی ما از زنان غیردرباری بسیار اندک است. اما آثاری به دست آمده که می‌توان به برخی از رده‌های اجتماعی آن‌ها، البته با توجه به ناآگاهی از سلسله‌مراتب واقعی قرارگیری آن‌ها، پی ببریم. از این قشر زنان می‌توان به کاهنه‌ها، موسیقیدانان، رقاصان، و خوانندگان معابد و زنان تجار اشاره کرد. به استناد این داده‌ها زنان نه تنها حق شرکت در مراسم مذهبی را داشتند، بلکه خود به عنوان کاهنه مسئولیت برگزاری مراسم را نیز عهده‌دار بودند. آن‌ها در معابد به عنوان خواننده، نوازنده، و رقاص انجام وظیفه می‌کردند. البته به دلیل قلت منابع نمی‌توان به درستی میزان فعالیت زنان در فعالیت‌های اقتصادی را سنجید، اما براساس آنچه گفته شد، زنان در دوره پانصدساله اشکانی در عرصه‌های مختلفی حضور داشتند و نمی‌توان

نقش آن‌ها را در این خصوص نادیده یا کم‌رنگ انگاشت. حتی می‌توان ادعا کرد که در این دوره با وجود جنگ‌های فراوان با روم و حضور مردان بسیاری در جنگ، زنان بار سنگین تربیت و نگهداری از فرزندان و فعالیت‌های کشاورزی و دامداری را نیز بر دوش کشیده‌اند.

منابع

- [۱] آلتهايم، فرانس (۱۳۸۸). *نوشته‌هایی در باب تاريخ و فرهنگ اشکانيان*. ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: پژوهشگاه سازمان ميراث فرهنگي، صنايع دستي و گردشگري کشور.
- [۲] اشلومبرژه (۱۳۸۷). *هنر پارتي، در تاريخ ايران کيمبريج* (از سلوکيان تا فروپاشي دولت ساسانيان)، به کوشش احسان يارشاطر، ج ۳ (قسمت دوم)، ترجمه حسن انوشه، چ ۵، تهران: اميرکبير.
- [۳] اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۱). *تاريخ اشکانيان* (دراالتيجان في تاريخ بنی الاشکان)، تهران: اطلس.
- [۴] بروسيوس، ماریا (۱۳۸۸). *ايران باستان*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: نشر ماهی.
- [۵] بشاش، رسول (۱۳۷۳). *کتیبه الیمایی نقش برجسته ایذه*، ویژه‌نامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، تهران: ميراث فرهنگي.
- [۶] بوسایلی، ماریو (۱۳۸۳). *هنر پارتي، در هنر پارتي و ساساني*، به کوشش ماریو بوسایلی و امبرتو شرانو، ترجمه يعقوب آژند، چ ۳، تهران: مولی.
- [۷] پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستي، تهران: سمت.
- [۸] پاکزاديان، حسن (۱۳۸۶). *سکه‌های الیمایی*، تهران: ناشر مؤلف.
- [۹] دوبواز، نیلسون (۱۳۴۲). *تاريخ سياسي پارت (اشکانيان)*، تهران: شرکت سهامی افست.
- [۱۰] دیاکونوف، م. م (۱۳۵۱). *اشکانيان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- [۱۱] دیاکونوف، آی. ام، لیوشیتس. آ (۱۳۸۳). *کتیبه‌های اشکانی نسا* (اسناد اقتصادی)، ویراستار دیوید مکنزی، ترجمه شهرام حیدرآباديان، تهران: کلام شیدا.
- [۱۲] دیمز، اورلی (۱۳۸۸). *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام*، ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: نشر ماهی.
- [۱۳] رایس، تاملارا تالبوت (۱۳۷۲). *هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۴] رحیمی‌فر، مهناز (۱۳۷۶). «تحقیق و مطالعه پیرامون پیکره‌های شوش در دوران تاریخی (به‌ویژه هخامنشی، پارت، و ساسانی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- [۱۵] _____ (۱۳۸۳). «معرفی یک پلاک پارتي»، *اثر، بهار و تابستان*: ص ۱۶۸-۱۷۸.
- [۱۶] سازمان ميراث فرهنگي (۱۳۸۰). *پژوهش‌های باستان‌شناسی فرانسویان در ایران*، تهران: ميراث فرهنگي.
- [۱۷] سفر فؤاد، محمدعلی مصطفی (۱۳۷۶). *هترا (حضرا) شهر خورشید*، ترجمه نادر کریمیان سردشتی، تهران: ميراث فرهنگي.

- [۱۸] سلوود، دیوید (۱۳۸۷ الف). *سکه‌های پارتی*، در تاریخ ایران کیمبریج (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان)، به کوشش احسان یارشاطر، ج ۳، بخش اول، ترجمه حسن انوشه، چ ۵، تهران: امیرکبیر.
- [۱۹] شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۰). «افسانه ازدواج با محارم در ایران باستان»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۱ و ۲، ص ۲۶-۹.
- [۲۰] شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.
- [۲۱] شیپمان، کلاوس؛ واندنبرگ، لویی (۱۳۸۶). *نقش برجسته‌های الیمایی*، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت.
- [۲۲] کالج، مالکوم (۱۳۸۳). *پارتیان (اشکانیان)*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چ ۲، تهران: هیرمند.
- [۲۳] کورتیس، جان (۱۳۸۵). *ایران باستان به روایت موزه بریتانیا*، ترجمه آذر بصیر، تهران: امیرکبیر.
- [۲۴] گیرشمن، رمان (۱۳۵۰). *هنر ایران در دوران پارت و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۲۵] موزه ملی ایران (۱۳۸۹). *زن در گذر زمان (کاتالوگ برگزاری نمایشگاه زن در گذر زمان)*، تهران: موزه ملی ایران.
- [۲۶] ورستاندیک، آندره (۱۳۸۶). *تاریخ امپراتوری اشکانیان*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: جامی.
- [۲۷] ولسکی، یوزف (۱۳۸۶). *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ ۳، تهران: ققنوس.
- [۲۸] ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۸). *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا مهرداد اشکانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: نشر فرزانه روز.
- [۲۹] ویسهوفر، یوزف (۱۳۷۷). *ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- [۳۰] هرمان، جورجینا (۱۳۷۳). *تجدید حیات هنر ایران باستان*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [31] Bigwood, J.M (2004). "Queen Mousa , Mother and wife of king Phraataces of Parthia: Re- evaluathion of the Evidence", *Mouesion*, Vol. 4: pp 35-70.
- [32] Bigwood, Joan, M (2008). "Some Parthian Queens in Greek and Babylonian Documents", *Iranica Antiqua*, pp 236-274.
- [33] Brosius, Maria (2010). Women. In *Pre-Islamic Persia*", *Encyclopedia Iranica*.
- [34] Colledge , M (1977). *Parthian Art*, London, Paul Elek
- [35] Cumont, F (1939). "Portrait d'une reine trouvé à Suse," *Comptes-rendus de l'Académie des Inscriptions et Belles Lettres de Paris*: pp 330-41.
- [36] Kawami, T. S (1987). "Monumental Art of the Parthian Period in Iran", *Acta Iranica*, Vol 13.
- [37] Mackay, D (1949). "The Jewellery of Palmyra and Its Significance", *Iraq*, Vol. 11, No. 2: pp 160-187.
- [38] Minns, E. H (1915). "Parchments of the Parthian Period from Avroman in Kurdistan", *Journal of Hellenic Studies*, Vol. 35: pp 22-65.
- [39] Sarkhosh Curtis, Vesta (2001). "Parthian Beltsand Belt Plaques", *Iranica Antiqua*, Vol. XXXVI: 299-327.
- [40] Strugnell, E, (2008). "Thea Mousa , Roman Queen of Parthia", *Iranica Antiqua*, Vol. XLIII: pp 275-298.
- [41] Von Ingen, W (1939). *Figurines from Seleucia on the Tigris*, The University of Michigan.
- [42] http://www.parthia.com/phraataces.htm#Type_56.